

طراحی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار^۱

هادی ثنائی پور^۲

چکیده

کارآفرینی روستایی، موتور رشد و پویایی اقتصادی و توسعه اجتماعی در مناطق روستایی است که علی‌رغم اهمیت آن، از سوی برنامه ریزان توسعه و پژوهشگران این حوزه، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به ماهیت نوآورانه و پویای کارآفرینی در مناطق روستایی و اهمیت رویکردهای حفظ زیست بوم در روستاها، یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران و برنامه ریزان، شناسایی مهمترین عوامل و شاخص‌های ارزش‌آفرین است تا با توجه به این عوامل، سطح فعالیت‌های کارآفرینانه را ارتقا بخشیده و به اهداف آن از جمله ایجاد شغل، رشد اقتصادی و کاهش فقر نائل شد. لذا هدف از انجام این پژوهش، طراحی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار است. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در حوزه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی، بررسی شده و الگویی ترکیبی برای آن ارائه شده است. جامعه و نمونه آماری، مطالعات و تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. بدین منظور، ابتدا منابع مرتبط، به‌دقت گردآوری و بررسی شده، مولفه‌ها و متغیرهای مورد توجه در هرکدام از تحقیقات، بررسی و استخراج شدند. سپس بر اساس تشابه و نزدیکی بین مفاهیم، محورهای اصلی مشخص شده و دسته‌بندی موضوعی صورت‌گرفت. یافته‌های این پژوهش منجر به شناسایی ۶ عامل اصلی در دو بُعد عوامل توسعه کارآفرینی روستایی و عوامل محیط کارآفرینانه شد. عوامل توسعه کارآفرینی روستایی شامل چهارده متغیر ارزش‌آفرین در سه مولفه ایجاد و تقویت نگرش‌های کارآفرینانه، بروز رفتارهای کارآفرینانه و نتایج توسعه‌ای کارآفرینانه بود. در بُعد عوامل محیط کارآفرینانه نیز نوزده متغیر در سه سطح توسعه اقتصاد منبع‌محور، اقتصاد کارآیی‌محور و اقتصاد نوآوری‌محور شناسایی شد. در نهایت روایی و پایایی مدل با استفاده از شاخص کاپا اندازه‌گیری شد که برابر با ۰.۸۵۷ محاسبه شد و در سطح توافق عالی قرار گرفت. در انتهای مقاله نیز پیشنهادهایی برای ارتقاء کارآفرینی روستایی مطرح شد.

کلمات کلیدی: توسعه پایدار، کارآفرینی روستایی، دیده‌بان جهانی کارآفرینی، عوامل محیط کارآفرینانه.

^۱ پژوهش حاضر مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان "طراحی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار" مصوب شورای پژوهشی دانشگاه گنبد کاووس می باشد.

^۲ استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی آزادشهر، دانشگاه گنبد کاووس (نویسنده مسئول): Sanaeepour@gonbad.ac.ir

کارآفرینی به عنوان یک مجرای مهم برای ایجاد تحول در تولید محصولات و فرآیندهای پایدار شناخته شده است (Bignotti et al., 2021). محققان مختلفی (Acs et al., 2008; Horne et al., 2020; Santos, 2012) از کارآفرینی به عنوان یک راه حل پایدار برای بسیاری از معضلات جوامع در کشورهای مختلف جهان حمایت می کنند. در حال حاضر کارآفرینی به دلیل سهم بزرگ در توسعه کشورها و راه حل های کلیدی آن در اقتصاد با ایجاد فرصت های شغلی بیشتر، زمینه های درآمدزایی، بستر انتقال و توسعه فناوری را فراهم کرده است (Gobena & Kant, 2022).

در دهه های اخیر، کارآفرینی به عنوان یکی از موضوعات کلیدی در حوزه سیاست گذاری توسعه مورد ملاحظه قرار گرفته است (Norback et al., 2014). کارآفرینی به عنوان موتور رشد اقتصادی و توسعه اجتماعی محسوب می شود (Tsai & Kuo, 2011) و سیاست گذاران کشورها در حال حاضر به دنبال این هستند که چگونه اقتصاد کارآفرینانه پویا و رقابتی ایجاد کنند (Stevenson & Lundstrum, 2001). تحقیقات Global Entrepreneurship Monitor (GEM) نشان می دهد حدود ۳۰٪ تفاوت در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، ناشی از تفاوت در سطح فعالیت های کارآفرینانه است (Audretsch et al., 2002).

از سوی دیگر محققان کارآفرینی بیشتر به چپستی، چرایی و چگونگی کارآفرینی توجه داشته اند تا اینکه تأثیر کارآفرینی بر کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه (Bruton et al., 2008). توجه به کارآفرینی و شرکت های کوچک و متوسط، از حوزه های مهم سیاست گذاری است و بر اساس گزارش های بانک جهانی (۲۰۰۵)، ارتقای کارآفرینی و توسعه شرکت های کوچک و متوسط از جمله توصیه های مهم برای توسعه کشورهاست. سیاست گذاری کارآفرینی را می توان برای اصلاح وضعیت اقتصاد کلان، نرخ مبادله، سیاست های تجارتي و صنعتی، بهبود حاکمیت و کاهش فقر به کار برد (Acs and Virgill, 2010).

سیاست گذاری کارآفرینی، بر خلاف سیاست گذاری سنتی که بر شرکت های بزرگ تاکید دارد؛ رویکردی جدیدی است که بر افراد و کسب و کارهای کوچک تاکید دارد (Norback et al., 2014). از آنجا که سیاست ها بر فعالیتهای کارآفرینانه اثر گذارند، لذا تحریک و تشویق فعالیت کارآفرینانه با تاکید بر کارآفرینی نوآور در شرکت های با تاثیر بالا از طریق سیاست گذاری، بسیار مورد توجه می باشد (Henrekson and Stenkula, 2010). طراحی مناسب سیاست کارآفرینی، باعث تسهیل و کمک به فعالیت های کارآفرینانه موثر می شود (Acs & Szerb, 2007). شواهد نشان می دهد نظام اقتصادی که باعث پرورش شرکت های کارآفرینانه نوآور و با رشد زیاد می شود، برتر از نظام اقتصادی است که برای افزایش تعداد کسب و کارهای کوچک یا نرخ خوداشتغالی تلاش می کند (Shane, 2008).

توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در نظریه‌های علمی جدید، کارآفرینی روستایی به‌عنوان یکی از پیشران‌های توسعه و پیشرفت سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی روستایی نام برده می‌شود (Polbitsyn, 2019) و در عصر حاضر، توسعه مناطق روستایی بیشتر از همیشه به توسعه کارآفرینی، وابسته بوده اندیشمندان، کارآفرینان روستایی را به‌عنوان بزرگترین اهرم توسعه مناطق روستایی به‌شمار می‌آورند (Aggarwal, 2018). علی‌رغم اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی، عوامل مختلفی از دسترسی به اهداف جلوگیری می‌کنند که در این میان، محیط فعالیت کسب‌وکارهای روستایی، یکی از این عوامل می‌باشد. این مسئله، کسب‌وکارها را مجبور می‌کند که با دورنمای شفاف به این چالش‌ها پاسخ داده و به آن‌ها این امکان را می‌دهد که با برنامه‌ریزی مناسب به آینده بنگرند تا فرصت‌ها و تکیه‌گاه‌ها را شناسایی و درک کرده و از تهدیدها و خطرات اجتناب کنند (Al-Zu'bi, 2016).

مطالعات متعدد و پراکنده‌ای در موضوع توسعه کارآفرینی و برنامه ریزی روستایی انجام شده است که این مطالعات عمدتاً در سالیان اخیر بوده است (مثل Paliwal et al., 2022؛ Aliyev, 2022؛ Naude, 2021؛ li et al., 2020؛ Redford, 2012؛ Acs et al., 2014؛ Norback et al., 2014؛ Leonidou et al., 2020؛ Coduras et al., 2011؛ Audretsch, 2010 و ...). بررسی پژوهش‌های قبلی بیانگر آن است که با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته، این مطالعات از چارچوبی مشخص و نظام‌مند برخوردار نبوده و هریک از تحقیقات، بر جنبه‌های محدودی توجه داشته‌اند. ضمن آنکه اکثر مطالعات بر توسعه اقتصادی و برنامه ریزی برای ارتقاء کسب‌وکارها در مناطق روستایی تاکید داشته و توسعه پایدار مناطق روستایی کمتر مورد توجه بوده است (Adiyia et al., 2017؛ Aliyev, 2021؛ Gobena & Kant, 2022؛ Leonidou et al. 2020).

با توجه به توضیحات، هدف اصلی این پژوهش، طراحی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار می‌باشد. پرسش اصلی این پژوهش این است که برای برنامه ریزی یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار به چه عواملی بایستی توجه کرد. دسته‌بندی این عوامل چگونه است و با توجه به تفاوت توسعه‌ای میان مناطق مختلف، چگونه می‌توان الگویی یکپارچه از عوامل موثر برای آن تنظیم کرد.

مبانی نظری

سیاست‌گذاری کارآفرینی

اتحادیه اروپا کارآفرینی را توانایی خلق ایده و تبدیل آن به عمل تعریف می‌کند که شامل خلاقیت، نوآوری و پذیرش ریسک است. بنابراین بایستی حمایت‌هایی از کارآفرین صورت‌گیرد تا فرصت‌ها را بهتر تشخیص داده و از آنها بهره‌برداری کند (Redford, 2012). کارآفرین نیز فردی است که از طریق ایجاد یا توسعه فعالیت

اقتصادی (یا اجتماعی) به‌وسیله‌ی شناسایی، ارزیابی و بهره‌برداری از محصولات، خدمات و بازارهای جدید، در تکاپوی ارزش‌آفرینی است (Bosma, 2008).

سیاست‌گذاری، مجموعه اقدام‌های به‌نسبت ثابت و هدف‌مند است که به‌وسیله‌ی یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مساله یا دغدغه دنبال می‌شود (Anderson, 2000). سیاست‌گذاری کارآفرینی، هدایت فعالیت‌های مؤلفه اقتصادی و اجتماعی برای صاحبان کسب و کارهای مستقل است (Rigby & Ramlogan, 2013) و ابزاری برای ترغیب افراد و ارتقای کارآفرینی در جامعه است که بر مراحل قبل و بعد از راه‌اندازی کسب و کارها در فرآیند کارآفرینانه متمرکز است (Lundstrum & Stevenson, 2001). در این زمینه، چندین استراتژی توسط کشورها ایجاد شده است (Hosseini et al., 2023) اما سیاست‌گذاری کارآفرینی، رویکردی جدید به سیاست‌گذاری است که بر افراد و کسب و کارهای کوچک تاکید دارد (Norback et al., 2014).

در واقع سیاست‌گذاری کارآفرینی، انتقال از اقتصاد مدیریت شده به اقتصاد کارآفرینانه است. اقتصاد کارآفرینانه، تبدیل اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش‌بنیان است که ویژگی تغییر از تولیدمحوری به خدمات‌محوری، از شرکت‌های بزرگ به شرکت‌های کوچک (کاهش اندازه شرکت و ماشین‌آلات)، از شرکت‌های کوچک به شرکت‌های جدید، از سرمایه‌محوری به دانش‌محوری، و از ایستایی نسبی و محیط صنعتی کنترل شده به پویایی زیاد و تغییرات دائمی است. جهانی‌سازی، آزادی اقتصادی، دموکراسی، توسعه فناورانه و اینترنت نیز به این تغییر کمک می‌کنند (Stevenson & Lundstrum, 2007).

پیامدهای سیاست از این دیدگاه‌ها ناشی می‌شود، به عنوان مثال که سیاست دولت برای ترویج کارآفرینی باید عدم اطمینان و هزینه‌های مبادله را کاهش دهد. با این حال، سیاست تنها یک دلیل تقریبی برای ریسک و عدم اطمینان است و در سال‌های اخیر محققان توسعه «نهادهای» و «قواعد بازی» به‌عنوان تعیین‌کننده نهایی توسعه تشخیص داده‌اند. در تئوری اقتصادی، کارآفرینی به عنوان یک انتخاب شغلی بین خوداشتغالی و کارمندی مدل سازی شده است (Naude, 2021).

اهداف سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی؛ ایجاد شغل، رشد اقتصادی و کاهش فقر (OECD, 2007) از طریق افزایش سطح فعالیت‌های کارآفرینانه است (Rigby & Ramlogan, 2013). در واقع سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی برای تشویق و تهییج فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بهره‌ور در بین افرادی است که به‌طور فردی و مستقل در کسب و کاری فعالیت می‌کنند (Henrekson and Stenkula, 2010).

توسعه پایدار روستایی

بر اساس گزارش برنامه عمران سازمان ملل متحد، توسعه پایدار، توسعه ای است که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون اینکه توانایی نسل های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند (مین باشی و همکاران، ۱۴۰۱). کشورهای درحال توسعه به این واقعیت پی برده اند که هیچ پیشرفتی معنادار نخواهد بود، مگر زمانی که جوامع روستایی نیز پیشرفت و توسعه یابند (نوانکو و اوکیکه^۱، ۲۰۱۷). این درحالی است که در نظریه های علمی جدید، از کارآفرینی روستایی به عنوان یکی از مهم ترین نیروهای محرک پیشرفت و توسعه سیستم های اجتماعی و اقتصادی روستایی و منطقه ای نام برده می شود (پلبیتسین^۲، ۲۰۱۹).

جانانان مرداچ توسعه پایدار روستایی را نوعی از توسعه می داند که در آن رابطه متقابل محیط و جامعه حفظ شده، به طوری که عوامل اقتصادی، اجتماعی و محیطی همراه با ژرف اندیشی خاص به ایجاد الگوهای رفتاری سازمان یافته منجر می شود، به گونه ای که نیازهای نسل کنونی روستایی بدون آسیب رساندن به منابع طبیعی که حیات نسل های آینده به آنها وابسته است، تأمین شود و آیندگان نیز مدنظر باشند، در این نوع توسعه سیستم های حمایتی محیطی در جلوگیری از آلودگی، تخریب، نابودی حیات و تنوع اکوسیستم به طور مؤثری عمل می کند و نیازهای جامعه و محدودیت های محیطی را مدنظر قرار می دهد و همبستگی میان محیط و جامعه را از یاد نمی برد (مردوخ^۳، ۱۹۹۳).

به طور کلی توسعه پایدار روستایی تحولات مستمر و همه جانبه ای است که در چارچوب آن ظرفیت ها و توانایی های اجتماعات روستایی در جهت رفع نیازهای مادی و معنوی و مشارکت مؤثر در فرآیندهای شکل دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی) رشد و تعالی می یابد و بر سه اصل توانمندسازی، ظرفیت سازی، امنیت اکولوژیکی، امنیت اجتماعی و امنیت اقتصادی استوار است (مین باشی و همکاران، ۱۴۰۱).

امروزه توسعه روستایی بیشتر از همیشه وابسته به توسعه کارآفرینی است و محققان، کارآفرینان روستایی را بزرگ ترین اهرم توسعه مناطق روستایی می دانند (آگراوال^۴، ۲۰۱۸). توسعه روستایی عموماً فرآیند ارتقای کیفیت زندگی و وضعیت اقتصادی مردمی است که در نواحی نسبتاً منزوی و با تراکم جمعیت کم زندگی میکنند. به طور سنتی، توسعه روستایی بر بهره گیری از منابع طبیعی سرزمینی نظیر کشاورزی و جنگلداری متمرکز بوده است (الکفراوی^۵، ۲۰۲۲).

¹ Nwankwo & Okeke

² Polbitsyn

³ Murdoch

⁴ Aggarwal

⁵ Elkafrawi

مفهوم توسعه پایدار در زمینه مصرف بی‌رویه منابع طبیعی و تخریب محیط زندگی، همراه با افزایش جمعیت جهانی مطرح شده است. توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین کند، بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند (Wackernagel & Yount, 2000). حوزه‌های روستایی به‌عنوان قاعده نظام و فعالیت ملی نقش اساسی در توسعه ملی ایفا می‌کنند زیرا توسعه پایدار سرزمین در گرو پایداری نظام روستایی به‌عنوان زیرنظام تشکیل دهنده نظام سرزمین است و پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد و اگر در جریان پیشرفت و توسعه فضاهای روستایی وقفه‌ای ایجاد شود، آثار و پیامدهای آن نه‌تنها حوزه‌های روستایی، بلکه مناطق شهری و در نهایت، کلیات سرزمین را در بر خواهد گرفت (Tasaki et al., 2015).

نادیده‌گرفتن استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی باعث می‌شود سرمایه‌گذاری‌ها، متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و با وجود اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند توسعه‌نیافتگی مناطق ادامه یابد (خدایانه و همکاران، ۱۴۰۰).

امروزه رویکرد توسعه پایدار به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل پایداری نظام سکونت‌گاه‌های انسانی به‌طور عام و سکونتگاه‌های روستایی به‌طور خاص از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است. توسعه پایدار روستایی نوعی از توسعه است که با لحاظ کردن تحولات شگرف در فضاهای روستایی، سعی در کاهش فشارها و استقرار نظام پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در روستاها دارد. در بسیاری از کشورها توسعه روستایی یک موضوع مهم برای دستیابی به توسعه پایدار در توازن با جامعه شهری است (Pašakarnis and Maliene, 2010).

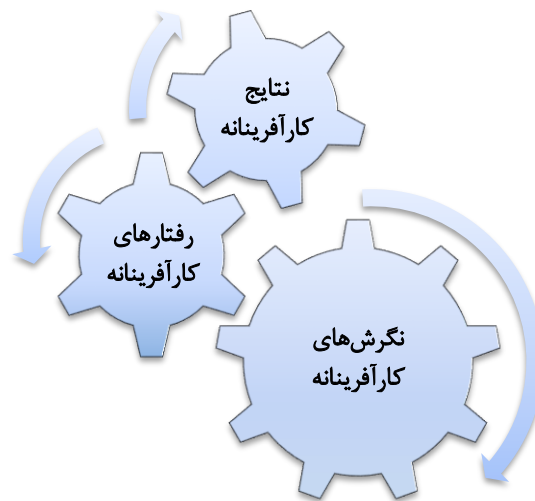
توسعه پایدار روستایی، فرایند کمک به مردم روستایی از راه اولویت‌بندی نیازهایشان، فعال کردن آن و سرمایه‌گذاری در زمینه ایجاد زیرساخت‌ها و ارائه خدمات اجتماعی، برقراری عدالت اجتماعی و برابر با توجه به ظرفیت‌های محلی و رفتارهایی به خلاف بی‌عدالتی‌های گذشته و تضمین سلامتی و امنیت آن‌ها است (Ruth, 2001). در کشورهای توسعه‌یافته، به‌طور عموم توسعه با صنعتی شدن تحقق یافته و توسعه صنایع با رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی عمومی همراه بوده است. این رشد فزاینده ناشی از ساختار اقتصادی مناسب، وجود مزیت‌های نسبی در فعالیت‌های مختلف و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح است (Alia, et al., 2019).

در این میان پرداختن به توسعه کارآفرینی برای روستاییان، از اهمیت حیاتی برخوردار است؛ چرا که اگر روستاییان با دلایلی از جمله موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فردی و دولتی مواجه نباشند، می‌توانند منابع را به نحو مطلوب به‌کار گیرند، در غیر این‌صورت؛ فقر، توسعه نیافتگی، نابرابری فزاینده، بیکاری و مهاجرت در سطح روستاها، ارمغان آن خواهد بود (Rosario, 2020).

چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی

یکی از چارچوب‌های مناسب برای سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی، مدل الفبای کارآفرینی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM) است که از سه بخش ایجاد و تقویت نگرش‌های کارآفرینانه، بروز رفتارهای کارآفرینانه و بهبود نتایج کارآفرینانه تشکیل شده است (Acs et al., 2014).

نگرش کارآفرینانه، تمایل درونی فرد به کارآفرینی است. کارآفرینان بالقوه، افرادی هستند که نگرش‌ها و باورهای مثبتی به کارآفرینی دارند. نگرش‌ها، فرد را به سمت کارآفرینی سوق می‌دهد و منجر به شکل‌گیری قصد کارآفرینی می‌شود. نگرش‌ها با رفتارها رابطه‌ی مستقیم دارند و بر اساس نگرش‌ها، می‌توان رفتارها را پیش‌بینی کرد. رفتارهای کارآفرینانه، فعالیت‌های مربوط به راه‌اندازی و یا مدیریت کسب و کار جدید است که ابتدا کارآفرینی نوپا بوده و پس از مدتی تثبیت می‌شود. نتایج کارآفرینانه، مربوط به فعالیت‌های پس از راه‌اندازی کسب و کار جدید توسط کارآفرینان است و بیان‌گر تمایل درونی کارآفرین به رشد کسب و کار و یا انتظار رشد بالا، کارآفرینی بازار - محصول جدید و کارآفرینی در بخش فناوری بالا یا متوسط است (Bosma, 2008). در این تحقیق، بر اساس چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی، شاخص‌های موثر بر توسعه کارآفرینی در سه سطح نگرش‌ها، رفتار و نتایج کارآفرینانه شناسایی و دسته‌بندی می‌شود.



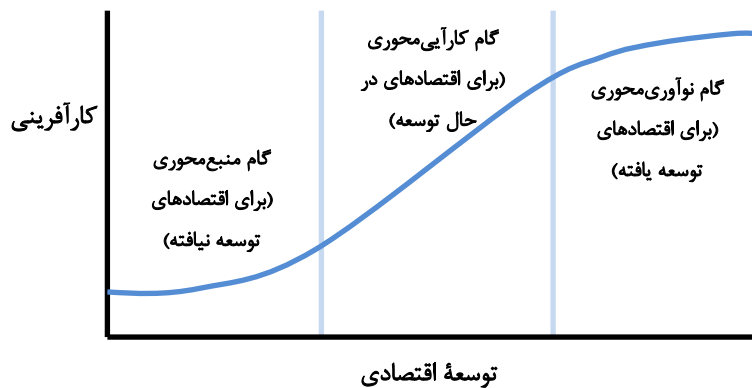
شکل ۱- مدل الفبای کارآفرینی دیده‌بان جهانی کارآفرینی (GEM)

چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه

چارچوب دیگری که در این تحقیق به آن توجه شده، چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه Porter (۲۰۰۰) است. در این نظریه، توسعه اقتصادی در سه سطح اقتصاد منبع‌محور، اقتصاد کارآیی‌محور و اقتصاد نوآوری‌محور (factor driven stage, efficiency driven stage, innovation driven stage) بررسی می‌شود. برای

اقتصادهای منبع‌محور، بایستی به الزامات اساسی توجه کرد. برای اقتصادهای کارآیی‌محور، به عوامل ارتقای کارآیی، و برای اقتصادهای نوآوری‌محور، به عوامل پیشران نوآوری توجه کرد (Acs et al., 2014). این امر به این دلیل صورت می‌گیرد که سطوح مختلف توسعه در مراحل مختلف (وابستگی به منابع، وابستگی به کارآیی و وابستگی به نوآوری) متفاوت است (Acs & Szerb, 2010).

لوری (۲۰۰۳) و موریس (۱۹۹۶)، کارآفرینی را رابطه‌ی بین کارآفرین، محیط و نقشی که دولت در ایجاد ساختار اقتصادی، سیاسی، قانونی، مالی و اجتماعی دارد تعریف کرده‌اند. لذا عوامل متعددی در توسعه کارآفرینی موثرند که در سیاست‌گذاری بایستی به آنها توجه کرد. از آنجا که شکاف نظری قابل ملاحظه‌ای در رابطه بین کارآفرینی و رشد اقتصادی وجود دارد (Grilo & Thurik, 2006)، در سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی به سطح توسعه اقتصادی کشورها توجه می‌کنند. لذا برای سیاست‌گذاری جامع کارآفرینی؛ دسته‌بندی سطوح توسعه از نظر چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه راهگشا خواهد بود.



شکل ۲- مدل عوامل محیط کارآفرینانه

پیشینه پژوهش

سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است هرچند تحقیقات اندکی در این زمینه صورت گرفته است. Gobena & Kant در سال ۲۰۲۲ تأثیر فرهنگ بومی، منابع محلی، محیط دوستدار محیط زیست و استراتژی‌های توسعه مدرن بر توسعه کارآفرینی را بررسی کردند. در این مطالعه اکتشافی، ادبیات تحقیق از طریق طراحی سیستماتیک، به طور گسترده مرور شد و نتایج نشان داد که فرهنگ بومی مانند فرهنگ رهبری بومی، کار تیمی بومی و مهارت‌های بومی تأثیر قابل توجهی بر توسعه کارآفرینی دارد. منابع محلی مانند زیرساخت‌ها، سرمایه انسانی محلی و محدودیت مالی، بازاریابی محیطی، نوآوری و مزیت رقابتی متمایز تأثیر قابل توجهی بر توسعه کارآفرینی دارند (Gobena & Kant, 2022).

Naudé در سال ۲۰۲۱ تحقیقی پیرامون توسعه اقتصادی و کارآفرینی انجام داد. وی نتیجه گرفت که با توجه به غفلت نسبی از کارآفرینی توسط محققان توسعه، توجه به بینش‌های نظری اخیر از تلاقی مطالعات

کارآفرینی و توسعه، ضروری است که بر شواهد تجربی در مورد رابطه بین کارآفرینی و توسعه توجه شود. بدین ترتیب می توان بینش تازه ای برای سیاستهای توسعه کارآفرینی ارائه کرد (Naude, 2021).

لئونیدو و همکاران (۲۰۲۰) وضعیت تحقیقات علمی در مورد مشارکت ذینفعان در مدیریت نوآوری و توسعه کارآفرینی را ادغام کردند. آنها به طور سیستماتیک ادبیات مربوطه منتشر شده در ۲۷ سال گذشته را بررسی کرده و دیدگاههای مختلف تحقیقاتی برجسته را در چارچوبی مقدماتی، چند بعدی و یکپارچه از مشارکت ذینفعان ادغام کردند. در نتیجه شکافهای تحقیقاتی مختلف را شناسایی کرده و راههای مؤثری را برای کارهای آینده در این جریان تحقیقاتی تجویز کردند (Leonidou et al., 2020).

پیچ و همکاران (۲۰۱۷) سیاستهای توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط را با رویکرد آمیخته اکتشافی و پژوهش موردی، به یاری مصاحبه نیمه ساختاریافته و تحلیلهای آماری، بررسی کرده و در نهایت به اهمیت نقش دولت و نهادهای بخش عمومی برای توسعه کسب و کارها دست یافتند. یافتهها نشان می-دهد عوامل بخش عمومی بر توسعه فرصت‌های کارآفرینی موثرند (Page et al., 2017).

آدیا و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از روش پژوهش کیفی و مصاحبه با خبرگان، به گردآوری و تحلیل اطلاعات کارآفرینان پرداخته‌اند. نتایج بیانگر آن است که بدون آموزش و یادگیری مهارت‌های اصلی (مانند مهارت‌های مدیریتی، ارتباطی، مالی و ...) نمی‌توان به توسعه کسب و کار دست یافت (Adiyia et al., 2016).

یکی از پژوهش‌های مرتبط، پژوهش Figueroa-Armijos & Johnson (۲۰۱۶) درباره پیامدهای تسهیلات پرداخت مالیات کسب و کارها، به‌عنوان یکی از برنامه‌های توسعه کارآفرینی در ایالت کانزاس امریکا است که نشان داد کارکردهای روشن و قطعی در مناطق پذیرنده قانون این برنامه (در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰)، در پنج نشانگر معمول اقتصاد محلی و فعالیت کارآفرینانه دیده نشده است (Figueroa-Armijos & Johnson, 2016).

ردفورد (۲۰۱۲) پژوهشی با عنوان کارآفرینی و سیاست‌گذاری عمومی با تاکید بر نقش آموزش و توسعه‌ی انسانی انجام داد. یافته‌های این پژوهش که با مطالعه تاریخی سیاست‌های کارآفرینی در ادوار مختلف پرتغال و با مرور دانش موجود در زمینه‌ی سیاست‌گذاری کارآفرینی انجام شد، نشان می‌دهد آموزش و مشاوره‌های مالی، حقوقی، مدیریتی، بازاریابی، توسعه محصول، زیرساخت‌های تخصصی مثل پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد و حمایت مالی نقش مهمی در موفقیت کارآفرینان بازی می‌کند (Redford, 2012).

آکس و زرب (۲۰۱۰) شاخص جهانی توسعه و کارآفرینی را معرفی کردند. نتایج پژوهش که با روش همبستگی به بررسی رابطه بین شاخص جهانی توسعه و کارآفرینی و توسعه‌ی اقتصادی در بین کشورها انجام شده است، نشان می‌دهد سطوح مختلف توسعه در مراحل مختلف (وابستگی به منابع، وابستگی به کارآیی و وابستگی به نوآوری) متفاوت است (Acs & Szerb, 2010).

آدرچ و همکاران (۲۰۰۷) با استفاده از روش اکتشافی - تحلیلی، مسیرهای مداخله‌گر بر سیاست‌گذاری کارآفرینی را شناسایی کرده و بر مواردی از قبیل افزایش توانمندی‌ها و آموزش کارآفرینان، توسعه فناوری، دسترسی به منابع، خطمشی رقابت، حقوق مالکیت معنوی و محیط قانون‌گذاری، تشکیلات نهادی و بهبود محیط کسب و کار تاکید دارند (Audretsch et al., 2007).

پژوهشی با عنوان بهبود محیط سیاست‌گذاری برای ارتقای کارآفرینی توسط Singer انجام شد. در این تحقیق توصیفی-پیمایشی، شاخص‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی با ویژگی‌های جمعیت شناختی بررسی شد. نتایج حاکیست حمایت مالی، خطمشی دولتی، آموزش و توسعه زیرساخت‌ها بر توسعه کارآفرینی موثر است (Singer, 2007).

Lunnan و همکاران (۲۰۰۶) به بررسی نگرش کارآفرینانه و احتمال راه‌اندازی کسب و کار در بین فعالان بخش خصوصی غیرصنعتی نروژ انجام دادند. یافته‌های آنها، دو عامل اصلی را در نگرش‌های کارآفرینانه افراد شناسایی کرده است: توانایی شناسایی فرصت‌های کسب و کار و توانایی پذیرش ریسک محاسبه شده. به‌طور معناداری، احتمال بیشتری وجود دارد افرادی که قصد راه‌اندازی کسب و کاری دارند، از نگرش‌های کارآفرینانه برخوردار باشند. همچنین افرادی که ریسک‌پذیر هستند، احتمال بیشتری دارد فعالیت جدیدی را شروع کنند و نگرش نسبت به ریسک، بر انتخاب افراد در موقعیت‌های کارآفرینانه آنها تاثیرگذار است (Nybakk & Hansen, 2008).

پژوهشی توسط Decelle (۲۰۰۴) با عنوان رویکردی پویا و مفهومی به نوآوری با هدف سیاست‌گذاری نوآوری انجام شد. نتایج این پژوهش که با استفاده از داده‌های انجمن ملی انجام شد، نشان می‌دهد شاخص‌هایی مثل بهبود پویایی‌های نوآوری (تلاش شرکت‌ها برای تطبیق رویکردهای پیشرو به سمت نوآوری، خصوصاً از فناوری‌های ساده به سمت هوشمندی اقتصادی) کارآیی نظام ملی نوآوری (آموزش نیروها، توسعه نقش عوامل بخش عمومی و خصوصی، ترغیب به تحقیق و پژوهش) بهبود نظام انگیزشی برای عوامل و نیروها؛ حفظ انسجام و پیوستگی و ارتباط آن با کل جامعه می‌تواند بر نوآوری موثر باشد (Decelle, 2004).

روش‌شناسی

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. تمرکز این پژوهش بر تحقیقاتی است که در موضوع توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی و توسعه پایدار انجام شده است. بنابراین جامعه و نمونه‌ی آماری شامل کتاب‌ها و مقالات این حوزه است. برای نمونه‌گیری نیز از نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. در این روش با مراجعه مستقیم به اطلاعات حاصل از نمونه‌های هدفمند و مقوله‌بندی این اطلاعات،

مضامین اصلی برای مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار مشخص می-شوند.

در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربردی فراوان دارد و از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده انجام می‌شود. مراحل این روش به شرح زیر است:

- خلاصه‌سازی اطلاعات و برآوردن مضامین کلیدی از آن
 - ایجاد ارتباط دقیق و روشن میان پرسش‌های تحقیق و یافته‌های به دست آمده
 - طراحی یک مدل یا نظریه درباره موضوع مورد مطالعه (Thomas, 2006).
- همچنین برای شناسایی مرتبط و با کیفیت ترین تحقیق در رابطه با موضوع تحقیق، چندین معیار ورود و خروج را اعمال کردیم. به دنبال سایر بررسی های سیستماتیک پیشرفته در زمینه موضوع پژوهش بوده ایم. ما جستجوی خود را به انتشارات دانشگاهی بررسی شده از همه رشته های مرتبط را در موتورهای جستجوی علمی Business Source Ultimate, Emerald, Science Direct و سایر منابع مرتبط محدود کردیم. انتخاب این پایگاه‌های اطلاعاتی براساس این واقعیت است که کامل‌ترین پایگاه‌های اطلاعاتی علمی در زمینه مطالعات کسب‌وکار و کارآفرینی را نشان می‌دهند و همچنین به دلیل انتخاب آنها توسط سایر بررسی‌های سیستماتیک منتشر شده در مجلات برتر در این حوزه است (Zott, Amit, & Massa, 2011). سپس، یک الزام کلی جستجوی کلمه کلیدی را برای مجموعه اولیه مقالات اعمال کردیم تا امکان درج نکردن مقالات مرتبط را از بین ببریم. به طور خاص تر، ما از ترکیبی از کلمات کلیدی برای جستجوی عناوین، کلمات کلیدی و/یا چکیده ها برای توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد پایدار استفاده کردیم. برای این منظور، ابتدا مقالات و گزارش‌های مرتبط به دقت گردآوری و بررسی شدند و مولفه‌ها و متغیرهای مورد توجه در هر کدام از تحقیقات، استخراج شدند (Strauss & Corbin, 1994).

در این مرحله با مرور سطر به سطر اسناد و مقالات منتشر شده، واژه‌ها و عبارات مرتبط با توسعه کارآفرینی استخراج شده و سپس با مرور مکرر مفاهیم اولیه و مقایسه مستمر آنها، شباهت‌ها و تفاوت‌های مفاهیم اولیه آشکار شد. در نهایت مفاهیم با محتوای مشترک تحت یک مفهوم طبقه‌بندی شدند. در این مرحله، مقوله‌ها بهبود یافته و در قالب نظریه‌ای منسجم، یکپارچه می‌شوند. در نهایت پس از انجام مراحل فوق، مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار طراحی شد.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در این بخش منطبق با فرآیند تنظیم شده توسط توماس (۲۰۰۶) برای تدوین مدل مفهومی به روش تحلیل محتوای کیفی است. بر اساس این فرآیند، انجام این تحقیق به سه گام تفکیک می‌شود.

گام اول: خلاصه‌سازی اطلاعات و شناسایی مولفه‌ها و متغیرهای توسعه کارآفرینی

در گام اول، پژوهش‌های مرتبط با توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار بررسی شده و اطلاعات حاصل از آن، خلاصه‌سازی شد. سپس مضامین کلیدی و مهمترین عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی، شناسایی و دسته‌بندی شدند. بدین ترتیب، پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق به‌طور عمیق بررسی شد. سپس مفاهیم موجود در آنها شناسایی شدند. در نهایت مهمترین مفاهیم مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار استخراج شد.

گام دوم: ایجاد ارتباط دقیق و روشن میان پرسش‌های تحقیق و یافته‌های به‌دست آمده

در این گام، با توجه به پرسش اصلی این پژوهش که برای توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار به چه عواملی بایستی توجه کرد، متغیرها و مضامینی که بر این موضوع موثرند، دسته‌بندی شدند. با توجه به مفاهیم استخراج شده از گام قبل، برخی از متغیرها مرتبط با فرد کارآفرین و فرآیند کارآفرینی است اما برخی دیگر از متغیرها به سطح توسعه‌یافتگی مناطق روستایی ارتباط دارد. بدین ترتیب تفکیک و دسته‌بندی متغیرها، با توجه به دو چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی و عوامل محیط کارآفرینانه که در بخش مبانی نظری بررسی شده‌اند، صورت گرفت. استفاده از این دو چارچوب با توجه به سوال این تحقیق مبنی بر چگونگی دسته‌بندی و ارائه‌ی الگویی یکپارچه با توجه به سطح توسعه یافتگی میان مناطق مختلف بوده است.

بنابراین در این گام، با توجه به چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی، متغیرهایی که بر نگرش‌ها، رفتار و نتایج کارآفرینانه موثرند تعیین شدند. همچنین با توجه به چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه، متغیرهایی که در چارچوب اقتصاد منبع‌محور، اقتصاد کارآیی‌محور و اقتصاد نوآوری‌محور بر توسعه کارآفرینی موثرند در قالب جدول زیر، دسته‌بندی شدند.

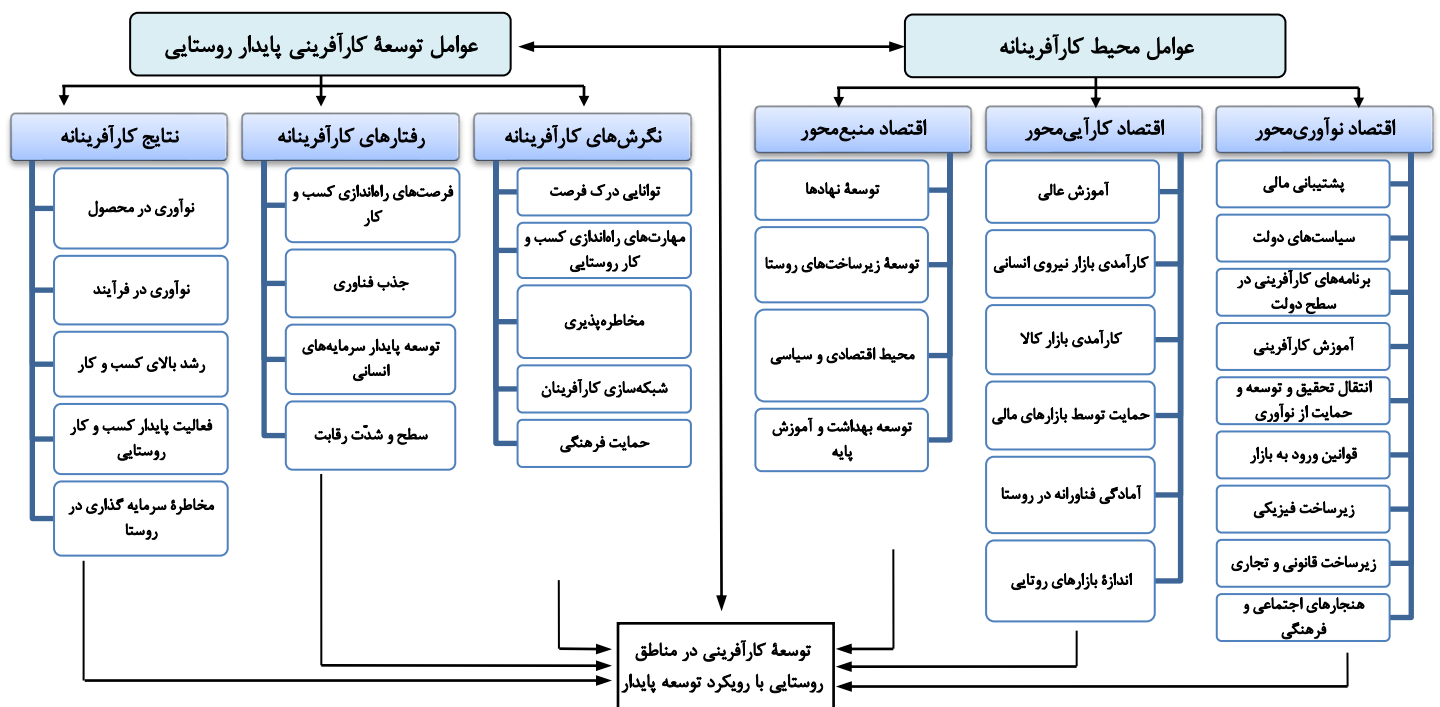
جدول ۱: مضامین اصلی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار

عامل اصلی	مؤلفه سیاست‌گذاری	متغیرهای مربوطه	عامل اصلی	مؤلفه سیاست‌گذاری	متغیرهای مربوطه		
عوامل توسعه کارآفرینی پایدار روستایی	اقتصاد منبع محور (وابستگی به منابع)	توسعه نهادها	عوامل محیط کارآفرینانه	نگرش‌های کارآفرینانه	توانایی درک فرصت		
		توسعه زیرساخت‌های روستا			مهارت‌های راه‌اندازی		
		محیط اقتصادی و سیاسی			کسب و کار روستایی		
		سلامت و آموزش پایه			مخاطره‌پذیری		
		آموزش عالی			شبکه‌سازی کارآفرینان		
		کارآمدی بازار کالا			حمایت فرهنگی		
	اقتصاد کارآیی محور (وابستگی به کارآیی)	کارآمدی بازار نیروی انسانی		فرصت‌های راه‌اندازی	رفتارهای کارآفرینانه	کسب و کار	
		حمایت توسط بازارهای مالی		جذب فناوری			
		آمدگی فناورانه در روستاها		توسعه پایدار سرمایه انسانی			
		اندازه بازارهای روستایی		سطح و شدت رقابت			
		پشتیبانی مالی (برای کارآفرینان نوآور)		نوآوری در محصول			
		سیاست‌های دولت		نوآوری در فرآیند			
	اقتصاد نوآوری محور (وابستگی به نوآوری)	برنامه‌های کارآفرینی در سطح دولت		رشد بالای کسب و کار	نتایج کارآفرینانه	فعالیت پایدار کسب و کار روستایی	مخاطره سرمایه گذاری در روستا
		آموزش کارآفرینی		انتقال تحقیق و توسعه و حمایت از نوآوری			
		قوانین ورود به بازار		زیرساخت فیزیکی (برای کارآفرینان نوآور)			
		زیرساخت قانونی و تجاری (برای کارآفرینان نوآور)		هنجارهای اجتماعی فرهنگی			

گام سوم: طراحی مدل

بر طبق فرآیند تحلیل محتوای کیفی، در این گام بایستی مدل یا نظریه‌ای درباره موضوع مورد مطالعه طراحی شود. با بررسی مولفه‌ها و متغیرهای حاصل از مراحل قبل، این متغیرها را در قالب دو چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی و چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه دسته‌بندی کردیم. دلایل استفاده از این دو چارچوب متفاوت است. دلیل اول اینکه متغیرهای استخراج شده، از یکدستی و یکنواختی برخوردار نیستند. برخی از متغیرها بر توسعه قابلیت‌های فردی و رفتاری تاکید دارند اما در عین حال برخی بر توسعه محیط و زیرساخت-

های فیزیکی و اقتصادی. همچنین در درون این دو چارچوب، سطح‌بندی نیز انجام می‌شود. در چارچوب دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ابتدا بر نگرش‌ها، سپس رفتارها و در نهایت، نتایج حاصل از آن تاکید دارد و در چارچوب عوامل محیط کارآفرینانه، سطح توسعه اقتصادی از پایینترین سطح (اقتصاد منبع‌محور) به بالاترین سطح (اقتصاد نوآوری‌محور) دسته‌بندی می‌شود و می‌توان متغیرها را در قالب این دو چارچوب دسته‌بندی کرد. با توجه به ابعاد شناسایی شده و نتایج حاصل از مراحل قبل، مدل مفهومی پیشنهادی، به‌عنوان بستری برای سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی معرفی می‌شود.



شکل ۲- مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار

مدل طراحی شده شامل شش بُعد اصلی و ۳۳ راهکار برای توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار است. پس از تکمیل مراحل روش‌شناسی تحلیل محتوا، روایی مدل از دو جنبه بررسی و تایید شد. در ابتدا از آنجا که در مدل طراحی شده از اجزاء و عوامل مدل‌های ارائه شده پیشین استفاده شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آنها قبلاً تایید شده است، خود به روایی مدل منجر می‌گردد. دوم اینکه پس از طراحی مدل، ابعاد و راهکارهای تدوین شده به دو تن از صاحب‌نظران و اساتید رشته‌های کارآفرینی روستایی و توسعه پایدار ارائه و توسط ایشان مورد بررسی قرار گرفت. در مجموع نتایج ارائه شده با تغییرات اندکی مورد پذیرش خبرگان قرار گرفت.

به منظور سنجش پایایی مدل طراحی شده از شاخص کاپا استفاده شد. شاخص کاپا ابزاری برای سنجش توافق نظر محققین در کدگذاری داده‌ها است. روش کار بدین صورت بود که شخص دیگری از پژوهشگران سیاست‌گذاری، کدهای حاصل از این پژوهش را دسته‌بندی کرده و به موضوعات اصلی تخصیص داده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط پژوهشگر با مفاهیم ارائه شده توسط این فرد مقایسه نهایتاً با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. همانطور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، پژوهشگر ۵ مفهوم و خبره دیگر ۶ مفهوم ایجاد کرده‌اند، که از این تعداد، ۵ مفهوم مشترک هستند.

جدول ۱: وضعیت تبدیل کدها به مفاهیم توسط محقق و پژوهشگر دیگر

		نظر محقق		
		بله	خیر	مجموع
نظر پژوهشگر دیگر	بله	A=5	B=0	۵
	خیر	C=1	D=1	۲
	مجموع	۶	۱	۷

$$\text{توافقات مشاهده شده} = (A+D)/N = (5+1)/7 = 0.857$$

مقدار شاخص کاپا برابر با ۰.۸۵۷ محاسبه شد که با توجه به جدول شماره ۲، در سطح توافق عالی قرار گرفته است.

جدول ۲: وضعیت شاخص کاپا

مقدار عددی شاخص کاپا	کمتر از ۰	بین ۰ تا ۰.۲	بین ۰.۲۱ تا ۰.۴	بین ۰.۴۱ تا ۰.۶	بین ۰.۶۱ تا ۰.۸	بین ۰.۸۱ تا ۱
وضعیت توافق	ضعیف	بی‌اهمیت	متوسط	مناسب	معتبر	عالی

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت‌ها، ایجاد اشتغال و توسعه کارآفرینی در سطوح مختلف جامعه است. در بسیاری از کشورها؛ کارآفرینی، محرک رشد و توسعه ملی است و نه تنها باعث رقابت اقتصادی و ایجاد شغل، بلکه وسیله‌ای برای توسعه فردی و حل مسائل اجتماعی است (Tsai & Kuo, 2011). بنابراین توجه به کارآفرینی، یکی از مهمترین ماموریت‌های دولت است و برای دستیابی به اهداف درآمدی و اشتغال‌زایی، سیاست‌گذاران می-

توانند سیاست‌هایی برای حمایت از فعالیتهای کارآفرینانه و ترغیب افراد به کارآفرینی تدوین کنند (Saufi, 2013).

هدف از انجام این پژوهش، طراحی مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار است که برای گردآوری و تحلیل داده‌ها و طراحی مدل، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. از آنجا که برای سیاست‌گذاری مناسب، بایستی محتوا و مفاهیم اصلی شناسایی شود؛ در این پژوهش، با استفاده از رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر فرآیند تحلیل محتوای کیفی، عوامل اصلی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی شناسایی شد. روش کار نیز بدین ترتیب بود که مقالات و گزارش‌های مرتبط با موضوع تحقیق، به‌دقت گردآوری و با تلخیص اطلاعات آنها؛ مضامین کلیدی، تعیین شدند. سپس میان پرسش‌های تحقیق و یافته‌ها، ارتباط برقرار شده و بر اساس تشابه و نزدیکی بین مفاهیم استخراج شده، محورهای اصلی مدل، مشخص شده و دسته‌بندی موضوعی صورت‌گرفت. در نهایت، مدل یکپارچه توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با رویکرد توسعه پایدار طراحی شد.

عوامل مورد تاکید در این مدل به دو دسته عوامل توسعه کارآفرینی پایدار روستایی و عوامل محیط کارآفرینانه تفکیک شدند. عوامل توسعه کارآفرینی پایدار روستایی شامل ایجاد و تقویت نگرش‌های کارآفرینانه، بروز رفتارهای کارآفرینانه و نتایج توسعه‌ای کارآفرینانه است. ایجاد و تقویت نگرش‌های کارآفرینانه شامل پنج متغیر توانایی درک فرصت، مهارت‌های راه‌اندازی کسب و کار، مخاطره‌پذیری، شبکه‌سازی کارآفرینان و حمایت فرهنگی است.

رفتارهای کارآفرینانه شامل چهار متغیر فرصت‌های راه‌اندازی کسب و کار، جذب فناوری، توسعه سرمایه‌ی انسانی و سطح و شدت رقابت است. نتایج کارآفرینانه نیز شامل پنج متغیر نوآوری در محصول، نوآوری در فرآیند، رشد بالای کسب و کار، فعالیت بین‌المللی کسب و کار و مخاطره سرمایه است.

از طرفی از آنجا که عوامل مورد تاکید در سطوح توسعه‌ای متفاوت است، بنابراین در این تحقیق بعد دیگری به نام عوامل محیط کارآفرینانه نیز مورد تاکید قرار گرفته است که شامل سه سطح توسعه اقتصاد منبع‌محور، کارآیی‌محور و نوآوری‌محور است.

الزامات اساسی برای توسعه کارآفرینی پایدار در مناطق روستایی در سطح اقتصاد منبع‌محور، شامل چهار متغیر توسعه نهادها، توسعه زیرساخت‌ها، محیط اقتصادی و سیاسی، سلامت و آموزش پایه است. برای توسعه کارآفرینی پایدار در مناطق روستایی در سطح اقتصاد کارآیی‌محور نیز بایستی عوامل ارتقای کارآیی شناسایی شود که برای آن بایستی شش متغیر آموزش عالی، کارآمدی بازار کالا، کارآمدی بازار نیروی انسانی، پیچیدگی بازارهای مالی، آمادگی فناورانه و اندازه بازار را در نظر گرفت.

توسعه کارآفرینی پایدار در مناطق روستایی در سطح اقتصاد نوآوری محور نیز شامل پیشران‌های نوآوری است که شامل نه متغیر پشتیبانی مالی (برای کارآفرینان نوآور)، سیاست‌های دولت، برنامه‌های کارآفرینی در سطح دولت، آموزش کارآفرینی، انتقال تحقیق و توسعه و حمایت از نوآوری، قوانین ورود به بازار، زیرساخت فیزیکی (برای کارآفرینان نوآور)، زیرساخت قانونی و تجاری (برای کارآفرینان نوآور) و هنجارهای اجتماعی فرهنگی است.

با توجه به اینکه ارتقای کارآفرینی، منجر به توسعه اقتصادی، کاهش فقر (Ács & Virgill, 2010)، افزایش اشتغال، تنوع اقتصادی، افزایش سرعت توسعه مناطق و افزایش سطح توسعه اجتماعی می‌شود (Akbaba, 2012). بنابراین طراحی یک الگوی اثربخش برای سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بر این اساس پیشنهاد‌های توسعه کارآفرینی پایدار در مناطق روستایی می‌تواند شامل مواردی همچون، توسعه زیرساخت‌های اصلی برای فعالیت‌های کارآفرینانه در مناطق روستایی همچون دسترسی به انرژی، اینترنت، جاده و برق؛ بهبود محیط کسب‌وکار در مناطق روستایی با توجه به حفظ مسائل زیست محیطی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی با هدف آموزش توسعه پایدار و بهبود نگرش‌های افراد برای راه‌اندازی کسب‌وکار و ارتقاء نیروهای انسانی فعال در مناطق روستایی؛ حمایت مالی از کسب‌وکارهای نوپا در مناطق روستایی؛ توسعه فناوری‌های ساده و بدور از پیچیدگی برای راه‌اندازی کارگاه‌های روستایی و کمک به اشتغال پایدار در مناطق روستایی؛ برگزاری نمایشگاه‌ها و برنامه‌های بازاریابی برای معرفی محصولات روستایی؛ و تدوین قوانین و مقررات متناسب با نیازها و اقتضات مناطق روستایی با هدف حفظ ویژگی‌های بومی روستاها، حفاظت از زیست بوم روستا و ارتقاء سطح درآمدی و اقتصاد روستا.

منابع

1. Acs, Z. J., Autio, E., & Szerb, L. (2014). National systems of entrepreneurship: Measurement issues and policy implications. *Research policy*, 43(3), 476-494.
2. Acs, Z. J., & Szerb, L. (2007). Entrepreneurship, economic growth and public policy. *Small business economics*, 28, 109-122.
3. Acs, Z. J., Desai, S., and Hessels, J. (2008). Entrepreneurship, economic development and institutions. *Small business economics*, 31: 219-234.
4. Acs, Z. J., & Szerb, L. (2010, June). The global entrepreneurship and development index (GEDI). In *Summer Conference* (pp. 16-18).
5. Ács, Z., J., & Virgill, N., (2010), Entrepreneurship in Developing Countries, in ACS, Z., & D. B. Audretsch, (Eds). *Handbook of Entrepreneurship Research*, Chapter 18, Springer, pp.485-514.

6. Adiyia, B., De Rademaeker, S., Vanneste, D., & Ahebwa, W. M. (2017). Understanding local entrepreneurship and small enterprises in the tourism–development nexus: The case of western Uganda. *Development Southern Africa*, 34(1), 105-120.
7. Aggarwal, A. K. (2018). Rural Entrepreneurship Development Ecosystem–An Emerging Paradigm of Rural Socio-Economic Development. Project of Rural Entrepreneurship Development in the State of Haryana, India, 1-16.
8. Akbaba, A. (2012). Understanding small tourism businesses: A perspective from Turkey. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 19, e9.
9. Alia, Abdul, ADonna J Kelleya, and Jonathan Levieb. (2019). "Market-driven entrepreneurship and institutions." *Journal of Business Research*: 1-12.
10. Aliyev, T. N. (2021). Directions for entrepreneurship development on the basis of advanced managements in Azerbaijan's territories liberated from occupation. *Economic Growth and Social Welfare, Issue I, Baku*, 10-19.
11. Anderson, James E. (2000). *Public policy making*, New York: Houghton Mifflin.
12. Audretsch, D. B., I. Grilo, & A. R. Thurik (2007). Explaining entrepreneurship and the role of policy: A Framework, in D. B. Audretsch, I. Grilo, & A. R. Thurik (eds). *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*. Cheltenham: Edward Elgar, pp.1-17.
13. Audrestch, D. B., Thurik, A. R., Verheul, I., & Wennekers, S. (Eds.). (2002). *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European–US Comparison*. Boston, Dodrecht and London: Kluwer.
- 14.
15. Bignotti, A., Antonites, A. J., and Kavari, U. J. (2021). Towards an agricultural entrepreneurship development model: an empirical investigation in Namibia’s agricultural communities. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 15(5): 684-708.
16. Bosma, N., Jones, K., Autio, E. & Levie, J. (2008). *Global Entrepreneurship Monitor 2007 executive report*. London: Global Entrepreneurship Research Association.
17. Bruton, G.D., Ahlstrom, D. and Obloj, K. (2008). ‘Entrepreneurship in Emerging Economies: Where Are We Today and Where Should the Research Go in the Future’, *Entrepreneurship Theory and Practice*, January: 1-14.
18. Coduras, A., Alvarez, C., Urbano, D., Ruiz-Navarro, J., (2011), "Environmental conditions and entrepreneurial activity: a regional comparison in Spain", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 18 Iss 1 pp. 120 – 140.
19. Decelle, X. (2004). *A conceptual and dynamic approach to innovation in tourism* (pp. 1-16). Paris: OEcD.
20. Elkafrawi, N., Roos, A., & Refai, D. (2022). Contextualising rural entrepreneurship–A strong structuration perspective on gendered-local agency. *International Small Business Journal*, 40(8), 1019-1040.
21. European Union. (2012). *SME Policy Index*, Progress in the Implementation of the Small Business Act for Europe.
22. Figueroa-Armijos, M., & Johnson, T. G. (2016). Entrepreneurship policy and economic growth: Solution or delusion? Evidence from a state initiative. *Small Business Economics*, 47, 1033-1047.
23. Gobena, A. E., & Kant, S. (2022). Assessing the Effect of Endogenous Culture, Local Resources, Eco-Friendly Environment and Modern Strategy Development on Entrepreneurial Development. *Journal of Entrepreneurship, Management, and Innovation*, 4(1), 118-135.

24. Grilo, I & Thurik, R., (2006). Latent and actual entrepreneurship in Europe and the US: some recent developments, *SCALES-paper* N200514.
25. Henrekson, M., & Stenkula, M. (2010). *Entrepreneurship and public policy* (pp. 595-637). Springer New York.
26. Horne, J., Recker, M., Michelfelder, I., Jay, J., and Kratzer, J. 2020. Exploring entrepreneurship related to the sustainable development goals-mapping new venture activities with semi-automated content analysis. *Journal of Cleaner Production*, 242: 118052.
27. Hosseini, S. M., Qhalibaf, M. B., Moussavi Neghabi, S. M., & Hosseini, S. A. (2023). Developing a model of strategies for enhancing food security against the phenomenon of food geopolitization. *Environment, Development and Sustainability*, 1-18.
28. Khodapanah, B., Moradi, M.A., Pargar, H., Sakhdari, K. (2021). Identifying factors affecting the institutional development of regional entrepreneurship in Iran. *Critical research paper of humanities texts and programs*. 21 (4): 111-87.
29. Leonidou, E., Christofi, M., Vrontis, D., & Thrassou, A. (2020). An integrative framework of stakeholder engagement for innovation management and entrepreneurship development. *Journal of Business Research*, 119, 245-258.
30. Li, C., Ahmed, N., Qalati, S. A., Khan, A., & Naz, S. (2020). Role of business incubators as a tool for entrepreneurship development: the mediating and moderating role of business start-up and government regulations. *Sustainability*, 12(5), 1822.
31. Minbashi, A., Molaei Hashjin, N., & Bigdeli, A. (2022). Analysis of the role of realization of «coordinated management of rural development planning» in sustainable rural development of Guilan province. *Village and Space Sustainable Development*, 3(2), 45- 68. 10.22077/VSSD.2022.5123.1085
32. Murdock, J. (1993). sustainable rural development. toward a reserch agenda: geoforn, 225-241, 24 (3).
33. Naude, W. (2021). Entrepreneurship and economic development: Theory, evidence and policy. In *Entrepreneurship and Economic Development: Theory, Evidence and Policy: Naudé, Wim*. [SI]: SSRN.
34. Norbäck, P. J., Persson, L., & Douhan, R. (2014). Entrepreneurship policy and globalization. *Journal of Development Economics*, 110, 22-38.
35. Nybakk, E., Hansen, E., (2008), Entrepreneurial attitude, innovation and performance among Norwegian nature-based tourism enterprises, *Forest Policy and Economics* 10, 473– 47 9.
36. Nwankwo, F. O., & Okeke, C. S. (2017). Rural entrepreneurship and rural development in Nigeria. *Africa's Public Service Delivery and Performance Review*, Vol. 5, No. 1, PP. 1-7.
37. OECD (2007), *OECD Framework for the Evaluation of SME and Entrepreneurship Policies and Programmes*.
38. Page, S. J., Hartwell, H., Johns, N., Fyall, A., Ladkin, A. & Hemingway, A. (2017). Case study: Wellness, tourism and smal l business develop ment in a UK coastal resort: Public engagement in practice. *Tourism Management*, 60. pp. 466-477.
39. Paliwal, M., Rajak, B. K., Kumar, V., & Singh, S. (2022). Assessing the role of creativity and motivation to measure entrepreneurial education and entrepreneurial intention. *International Journal of Educational Management*, 36(5), 854-874.
40. Pašakarnis, G., & Maliene, V, (2010), Towards sustainable rural development in Central and Eastern Europe: Applying land consolidation. *Land Use Policy*, Vol. 27(2), PP. 545-549.
41. Polbitsyn, S. N. (2019). Russia's Rural Entrepreneurial Ecosystems. *Economy of Region*, Vol. 1, No. 1, PP. 298-308.

42. Redford, T. D., (2012), Entrepreneurship and Public Policy for today and tomorrow's Portuguese Republic, *Working paper, Portuguese Studies Program*, University of California, Berkeley.
43. Rigby, J., & Ramlogan, R. (2016). The impact and effectiveness of entrepreneurship policy. *Handbook of innovation policy impact*, 129-160.
44. Rosario, M. (2021). Rural communities as a context for entrepreneurship: Exploring perceptions of youth and business owners. *Journal of Rural Studies*.
45. Ruth, M (2001). Women and Sustainable Development, Non-Governmental Liaison Service. 2001, available on www.un-ngls.org.116.
46. Santos, F. M. (2012). A positive theory of social entrepreneurship. *Journal of business ethics*, 111(3): 335-351.
47. Saufi, A. (2013), *Understanding host community's experiences in establishing and developing small tourism enterprises in Lombok, Indonesia*, Ph.D. thesis, Griffith University.
48. Shane, Scott A. (2008). *The Illusions of Entrepreneurship*. New Haven and London: Yale University Press.
49. Singer, S., (2007), Policy Environment for Promoting Entrepreneurship in Croatia, *Results of GEM Croatia Research 2006*, Zagreb. pp. 11 – 41.
50. Stevenson, L. & Lundström, A., (2001), Entrepreneurship Policy for the Future: Best Practice Components, Keynote Presentation at the *46th World Conference of the International Council for Small Business*, Taipei.
51. Stevenson, I. & Lundström, A., (2007), Dressing the emperor: the fabric of entrepreneurship policy, in D. B. Audretsch, I. Grilo, & A. R. Thurik (eds). *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*. Cheltenham: Edward Elgar, pp. 94 - 130.
52. Strauss, A., & Corbin, J. (1994). Grounded theory methodology: An overview.
53. Tasaki, T., & Kameyana, Y. (2015). Sustainability indicators: are we measuring what we ought to measure. *Global Environmental Research*, 19, 147-154.
54. Thomas, David R. (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. *American Journal of Evaluation*. Vol27. No. 2.
55. Tsai, W.H., Kuo, H.C., (2011), Entrepreneurship policy evaluation and decision analysis for SMEs, *Expert Systems with Applications* 38. 8343–8351.
56. United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD, 2013), *The UNCTAD Entrepreneurship Policy Framework and its implementation*. Geneva, 29 April–3 May, TD/B/C. II/20.
57. Wackernagel, M., Yount, J.D. (2000). Footprints for Sustainability, Vol. 2, No. 1, 23-44.
58. Zott, C., Amit, R., & Massa, L. (2011). The business model: recent developments and future research. *Journal of management*, 37(4), 1019-1042.

Designing an integrated model of entrepreneurship development in rural areas with a sustainable development approach

Hadi Sanaeepour¹

Abstract

Rural entrepreneurship is the engine of economic growth and dynamism and social development in rural areas, which, despite its importance, has received little attention from development planners and researchers in this field. Considering the innovative and dynamic nature of entrepreneurship in rural areas and the importance of ecological conservation approaches in villages, one of the concerns of policymakers and planners is to identify the most important value-creating factors and indicators so that according to these factors, the level of activities promoted entrepreneurship and achieved its goals including job creation, economic growth and poverty reduction. Therefore, the purpose of this research is to design an integrated model of entrepreneurship development in rural areas with a sustainable development approach. In this research, using the qualitative content analysis method, researches and researches conducted in the field of entrepreneurship development in rural areas have been examined and a composite model has been presented for it. The population and statistical sample, studies and researches have been related to the subject of the research. For this purpose, firstly, related sources were carefully collected and examined, the components and variables of interest in each of the researches were examined and extracted. Then, based on the similarity and closeness between the concepts, the main axes were identified and thematic classification was made. The findings of this research led to the identification of 6 main factors in the two dimensions of rural entrepreneurship development factors and entrepreneurial environment factors. The development factors of rural entrepreneurship included fourteen value-creating variables in three components of creating and strengthening entrepreneurial attitudes, emergence of entrepreneurial behaviors and entrepreneurial development results. In the dimension of entrepreneurial environment factors, nineteen variables were identified in three levels of resource-oriented economic development, efficiency-oriented economy and innovation-oriented economy. Finally, the validity and reliability of the model was measured using the Kappa index, which was calculated as 0.857 and placed at the level of excellent agreement. At the end of the article, suggestions were made to promote rural entrepreneurship.

Key words: sustainable development, rural entrepreneurship, global entrepreneurship watch, entrepreneurial environment factors.

¹ Assistant Professor, Department of Management, Azadshahr Faculty of Humanities, Gonbad Kavous University (corresponding author: Sanaeepour@gonbad.ac.ir)